

انجام امور در سازمان جهانی تجارت

نظام تصمیم‌گیری در گات و سازمان

جهانی تجارت [۱]

مترجمان: امیر هوشنگ فتحی زاده
(دانشجوی دوره دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی)
انور کمبری
(کارشناس ارشد دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ج.ا.ایران)

سازمان جهانی تجارت / گات / نظام تصمیم‌گیری

مقدمه

هر نهاد سالم، عمومی یا خصوصی که از لحاظ اندازه افزایشی معادل شش برابر را در طول شش دهه تجربه نماید و فعالیتش به موضوعات بی‌شماری گسترش پیدا کند انتظار می‌رود که با چالش‌های اساسی داخلی و خارجی زیادی روبه‌رو شود. سازمان جهانی تجارت از این قاعده مستثنی نیست. از زمان پیدایش آن اندکی بیش از یک دهه قبل، عضویت در سازمان جهانی تجارت تا بیش از ۲۰ درصد رشد داشته و بیش از یک چهارم جمعیت جهان به حوزه پوشش آن اضافه شده است. افزایش عضویت و تنوع موضوعات در سازمان جدا از کاهش سنتی تعرفه‌ها، در مقایسه با نهاد قبل از آن (GATT) از سازمان جهانی تجارت

چکیده

سازمان جهانی تجارت با تحت پوشش قرار دادن موضوعات گوناگون از تجارت کالا و خدمات گرفته تا مالکیت فکری و تاثیر آن بر سلامت، محیط زیست، امنیت غذایی، حقوق بشر و توسعه اقتصادی و با داشتن ۱۵۳ عضو با سطوح توسعه مختلف و تمایلات فکری کاملاً متفاوت همواره در زمینه تصمیم‌گیری با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده است. این مقاله به دنبال بررسی نظام تصمیم‌گیری در WTO و سیر تحول آن از گات ۱۹۴۷ تاکنون می‌باشد.

یک نهاد کاملاً متفاوت ساخته است، از آن مجموعه کوچک همگن ولی ناشناخته با ۲۳ کشور متعاهد در سال ۱۹۴۸ تا یک سازمان جهانی جدید با بیش از ۱۵۰ عضو در سطوح کاملاً مختلف توسعه و با تمایلات فکری کاملاً متفاوت، سازمان جهانی تجارت را بیشتر به یک سازمان سیاسی تبدیل کرده است. در صورتی که موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در طول ۵۰ سال سابقه‌اش به ندرت توانسته جدا از جامعه تجاری یک مقبولیت عمومی ایجاد نماید، سازمان جهانی تجارت اکنون نزد عموم مردم با طیف وسیعی از موضوعات جدید شامل تأثیر تجارت و سیاست تجاری بر سلامت، محیط زیست، امنیت غذایی، حقوق بشر و توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. وجود ۱۵۰ عضو و فرآیند تصمیم‌گیری براساس اجماع، تجارت در سازمان را به‌طور فزاینده‌ای با تضاد مواجه کرده است. در حالیکه مذاکرات در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت عموماً توسط و میان گروه کوچکی از کشورهای توسعه‌یافته رهبری و هدایت می‌شد، درگیر شدن بیشتر و مدعی بودن بازیگران ملل مختلف با دستورکار گسترده و عمیق و خصوصاً بهم پیوسته، فرآیند تصمیم‌گیری داخلی در سازمان جهانی تجارت را بطور فزاینده‌ای دشوار کرده است.

در این زمینه، مجموعه مشکلات مربوط به موفقیت دور دوحه، افزایش موافقت‌نامه‌های تجاری ترجیحی و پیشرفت‌های نسبتاً کم در آزادسازی تجاری چندجانبه در طول دهه گذشته، همگی عوامل مهمی در درک این موضوع هستند که چرا فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت توسط اعضاء و جامعه دینفع تحت موشکافی دقیق قرار گرفته است.

مطمئناً تمرکز روی موضوعات حاکمیتی، از قبیل مشروعیت تصمیمات و فرآیندها، منحصر به سازمان جهانی تجارت نیست، بلکه موضوعی محوری برای عمومی‌ترین نهادها در سطح داخلی و همچنین خارجی می‌باشد. به هر حال این موضوع بطور خاص برای یک سازمان عضو محور و مبتنی بر مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور حقوقی و مورد موافقت همه اعضاء، مرتبط و مناسب می‌باشد. مشروعیت این قواعد به‌طور قاطع بستگی به فضایی دارد که در آن همه اعضاء احساس کنند در فرآیند بوجود آمدن قواعد مشارکت داشته‌اند.

سازمان جهانی تجارت بخاطر «نقص مردم‌سالاری» و فقدان

«مشروعیت» در فرآیند تصمیم‌گیری مورد انتقاد سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و دیگر نهادهای مدنی قرار گرفته است. این انتقادات در وهله اول فقدان شفافیت خارجی سازمان و نبود وجهه مشورتی که سازمان‌های غیردولتی را قادر می‌سازد نقش مستقیم بیشتری در فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت داشته باشند، را مورد هدف قرار داده‌اند. هرچند این عبارات طی چند سال اخیر بیشتر در زمینه انتقاد از جریان تصمیم‌گیری داخلی سازمان جهانی تجارت به کار برده شده و کمتر در زمینه شفافیت خارجی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در زمان ارزیابی رابطه بین نظام تجاری چندجانبه و جامعه مدنی انتقال از تمرکز غالباً فرآیند محور سازمان جهانی تجارت به رایزنی‌های جزئی‌تر و موضوع محور، اهمیت پیدا می‌کند. در طول دهه گذشته سازمان‌های غیردولتی به تدریج پی برده‌اند که مؤثرترین شیوه برای تأثیرگذاردن بر موضوعات مورد بحث سازمان جهانی تجارت، از طریق کشور یا گروه‌های عضو می‌باشد تا از طریق دبیرخانه سازمان جهانی تجارت. در حالی که ماهیت عضو محوری سازمان جهانی تجارت در گذشته خیلی کم توسط این سازمان‌ها مورد توجه قرار می‌گرفت، در سال‌های اخیر فهم بهتری از این اندیشه که اعضای سازمان جهانی تجارت نظام تجاری چندجانبه را پیش می‌برند، حاصل شده است. بنابراین، تمرکز اغلب سازمان‌های غیردولتی به‌طور چشم‌گیری روی موضوعات ماهوی سازمان جهانی تجارت منعطف و اغلب آن‌ها تبدیل به تهیه‌کنندگان مهم درون‌داد و مشاور حقوقی اعضاء در طیف وسیعی از موضوعات تجاری شده‌اند. نقش جامعه مدنی در شیوه‌ای که سازمان جهانی تجارت امروزه عمل می‌نماید منحصراً متفاوت از هر چیز دیگری که در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت انجام می‌شد بوده و دلیل روشنی بر این مدعا است که دیگر نظام تجاری چندجانبه در خلاء عمل نمی‌نماید.

در بخش زیر دو هدف دنبال می‌شود. در وهله اول سعی می‌کنیم به تحلیل تکامل فرآیند تصمیم‌گیری داخلی سازمان جهانی تجارت و اثبات اینکه اعضاء چگونه با این چالش سازمانی و مهم کنار آمده‌اند، بپردازیم. ما باید شیوه‌های خاصی را طراحی کنیم که نحوه فعالیت امروزه سازمان جهانی تجارت شامل راهبردهای شفافیت که استحکام‌بخش فرآیند مشورت میان اعضاء می‌باشد را توصیف نماید. دوم ما نگاه دقیق‌تری به تکامل

روند تعامل سازمان جهانی تجارت با جامعه مدنی به‌طور عام و سازمان‌های غیردولتی به‌طور خاص، خواهیم داشت. در این بخش قصد شده میزان فشار خارجی و درون‌دادهایی که منجر به تغییرات مهم در شیوه‌هایی که ارتباط سازمان جهانی تجارت با جهان خارج را هدایت می‌کند و نیز شیوه‌ای که براساس آن جهان خارج به سازمان جهانی تجارت نظر می‌کند و با آن عمل می‌نماید را ترسیم نمائیم.

۱. تصمیم‌گیری در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و سازمان جهانی تجارت

درحالی‌که بسیاری از بحث‌های دهه ۱۹۸۰ سازمان‌های بین‌المللی روی نیازهای چنین سازمان‌هایی و ارتباط تعهداتشان متمرکز بود [۲]، یک عنصر بسیار مهم و روزافزون در بحث‌های جاری این سازمان‌ها مربوط به چگونگی تصمیم‌گیری در این سازمان‌ها می‌باشد. این تمرکز تعجب‌برانگیز نیست چراکه بعضی از قدرتمندترین سازمان‌های بین‌المللی امروزه، بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم تأسیس شدند و نمایانگر دیدگاه‌ها و خواستگاه‌های تعداد نسبتاً محدودی از کشورهای توسعه‌یافته می‌باشند. ظهور تعدادی از کشورهای درحال توسعه به‌عنوان قدرت‌های واسطه‌ای بین‌المللی دارای حق و نیز ماهیت چندقطبی درحال افزایش امور بین‌المللی باعث به‌وجود آمدن این بحث شده است که آیا ساختارهای سازمانی موجود به قدر کفایت توان تدارک قدرت بازیگر چند وجهی جدید برای ایجاد موازنه در نظام اقتصادی بین‌المللی را دارا می‌باشد. می‌توان اینچنین استدلال کرد که شیوه‌ها و رویه‌های تصمیم‌گیری یک سازمان بین‌المللی نمایانگر عوامل مهمی در ارزیابی حوزه‌ای است که سازمان میزان تنوع و عضویتش را در آن منعکس می‌نماید. این مقال جایگاهی مناسب برای تجزیه و تحلیل عمیق قواعد تصمیم‌گیری در سایر سازمان‌های بین‌المللی نیست. و لذا به این نکته بسنده می‌شود که چنین سازمان‌هایی از یک یا ترکیبی از قواعد تصمیم‌گیری برای اکثر فعالیت‌های غیرقضایی استفاده می‌کنند. بعضی سازمان‌ها از نظام حداکثر آراء میان اعضاء بر مبنای هر عضو یک رأی استفاده می‌کنند و بعضی نظام وزنی رأی‌گیری را مورد استفاده قرار می‌دهند که در آن توان رأی دادن متناسب با سهم مشارکت مالی اعضاء در سازمان تخصیص

می‌یابد. در دیگر طبقه‌بندی سازمان‌ها، نمایندگی و قدرت انتخاب مساوی به اعضاء داده شده و بر مبنای اجماع و توافق جمعی تصمیم‌گیری می‌شود. موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و متعاقب آن سازمان جهانی تجارت در طبقه‌بندی اخیر قرار می‌گیرند که ریشه در برابری حاکمیت دولت‌ها دارد [۳]. در واقع اشتین برگ توجه دارد که برخی از سازمان‌های دیگر از جمله آ.سه.آن، مرکوسور، ناتو و سازمان همکاری بین‌المللی اقتصادی که به‌عنوان نمونه ذکر شدند مجموعه‌ای از ساختار و سازوکارهای پیچیده‌ای دارند که تصمیم‌گیری به روال عادی توسط اجماع و توافق جمعی را تضمین می‌نمایند.

هدف اصلی بخش آتی، بررسی سیر تکاملی فرآیند تصمیم‌گیری از موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان جهانی تجارت می‌باشد. برای این منظور تصمیم‌گیری شامل روش غیررسمی و مشورت محرمانه و همچنین روش رسمی‌تر و علنی می‌باشد و ما سعی خواهیم کرد هر دو روش را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. این چنین تعریفی خودآگاهانه بوده و شامل ابعادی از فرآیند تصمیم‌گیری در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و سازمان جهانی تجارت می‌باشد که این نظام در مقابل آن پاسخگو می‌باشد، برای مثال جلسات مشورتی که با حضور روسای منتخب و یا دبیرکل، تشکیل و اداره می‌شوند. به همین ترتیب فرآیندهایی که خارج از چارچوب سازمانی نظام تجاری برگزار می‌گردد مانند مذاکرات دوجانبه و مذاکرات میان بیش از چندطرف را استثناء می‌کند. این تفاوت مهم بوده اما اغلب مورد توجه نمی‌باشد.

۲. فرآیند تصمیم‌گیری در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت

جدا از ماده ۲۵ که مقرر می‌دارد «هر کشور دارای یک رأی بوده و تصمیم‌گیری بر مبنای حداکثر آراء اخذ شده می‌باشد مگر خلاف آن مقرر شود»، موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) حاوی مقرره دیگری در زمینه تصمیم‌گیری نمی‌باشد. به‌رحال علی‌رغم وجود این مقرره رسمی و روشن، روش تصمیم‌گیری در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت به استثنای موارد الحاق و خروج عموماً توسط اجماع انجام می‌گرفت [۴]. در سال‌های اولیه تا اواخر دهه ۱۹۵۰ روشی رایج شد که در آن تصمیم‌گیری و

تشخیص با رئیس جلسه بود تا درخواست رأی گیری. به دنبال آن و تا زمان به وجود آمدن سازمان جهانی تجارت، روش تصمیم گیری در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت بر مبنای اجماع بود. توسعه روش اجماع بدون شک به افزایش تعداد کشورهای در حال توسعه که از اواخر دهه ۱۹۵۰ به بعد به موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت پیوستند ارتباط داشته و تعدادشان آن‌ها را قادر می‌ساخت که کنترل مؤثری بر نظام و علیه کشورهای توسعه یافته داشته باشند.

فرآیند تصمیم گیری در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت عمدتاً متکی بر مشورت‌های غیررسمی بود. هر چند روش موسوم به نشست‌های اتاق سبز میان تعداد کمی از هیأت‌ها از دور توکیو نشأت می‌گرفت اما این مشورت‌های غیررسمی در دوران گوته افزایش بیشتری یافته و کشورهای بیشتری را درگیر نمود (بلک هارست و هارتریج ۲۰۰۴) [۵] [۶]. به علاوه تعداد زیادی از گروه‌های غیررسمی خارج از موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت شروع به برگزاری نشست‌هایی برای بحث در مورد چگونگی پیش بردن مذاکرات نمودند. این گروه‌ها با توجه به اینکه طرح تدریجی نظرات و پیشنهادات قبل از مطرح شدن در جلسات کشورهای متعاقد نیازمند پیشرفت بیشتری بود، کار مهمی را انجام می‌دادند. هر چند همگرایی اعتقادی کشورهای متعاقد اصلی موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت، همزمان که کشورهای بیشتری آن را امضاء می‌کردند قدری کم‌رنگ شده بود، اما الگوی موسوم به باشگاه همکاری چندجانبه (کی‌اوهان و نی ۲۰۰۰) [۷] که در آن دستور کاری تعیین و مذاکرات میان یک گروه نسبتاً کوچک از کشورهای توسعه یافته به نتیجه می‌رسید، تا دوران گوته ادامه و حتی در طول دوران گوته هم به خوبی بر آن تأکید گردید.

موفقیت و کارایی نسبی ادوار مذاکراتی تحت نظر موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت اصولاً بر این حقیقت استوار بود که از اکثر اعضاء متعاقد موضوعی برای مذاکره درخواست نمی‌شد، در عین حال از ماحصل مذاکرات و نتایج به‌طور کامل بهره‌مند می‌شدند. به علاوه، مذاکرات تجاری قبل از دور اروگوته غالباً بر کاهش تعرفه محصولات صنعتی به صورت سنتی و بدون مناقشه متمرکز بود.

هر چند فرآیند تصمیم‌گیری موافقت نامه عمومی تعرفه و

تجارت در حدود ۵۰ سال موجودیتش بویژه در ادوار اروگوته و توکیو مشکلاتی را تجربه نمود، اما بعضی از روش‌هایش از قبیل تصمیم‌گیری بر اساس اجماع در سازمان جهانی تجارت نهادینه گردید [۸]. در حالی که این روش در هیچ کجای گات به صورت مقررهای بیان نشده بود، ماده (۹) منشور سازمان جهانی تجارت مقرر می‌دارد «سازمان جهانی تجارت می‌بایست روش تصمیم‌گیری از طریق اجماع که توسط گات ۱۹۴۷ دنبال می‌شد را ادامه دهد» [۹]. پاورقی این مقررهای بیان می‌دارد که منظور از اجماع چیست [۱۰]. مواد (۹) و (۱۰) تصریح به زمانی دارند که امکان رأی‌گیری وجود داشته باشد [۱۱]. با وجود تعهد برای تصمیم‌گیری از طریق اجماع، موضوع رأی‌گیری در نظام تجاری چندجانبه منفعت قابل ملاحظه‌ای ایجاد می‌کند. در موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت همانند سازمان جهانی تجارت تصمیمات مشخص می‌بایست توسط اکثریت اعضای واجد شرایط اتخاذ می‌شد. برای مثال در خروج و الحاق به موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت تصمیمات می‌بایست توسط دوسوم اعضا اتخاذ می‌گردید. در موافقت نامه سازمان جهانی تجارت مقررات مشابهی اجرا شده است، هر چند تصمیمات در خصوص خروج در سازمان جهانی تجارت اکنون نیاز اکثریت سه چهارم می‌باشد. در گات، تصمیماتی که نیازمند چنین اکثریت واجد شرایطی بودند، رأی‌گیری رسمی توسط اعضا چه از طریق ارسال برگه‌های رأی و یا به شیوه اخذ آراء از حاضرین در جلسه انجام می‌گردید. به هر حال در ارتباط با چنین تصمیماتی که برای رأی‌گیری تحت نظر گات ارجاع می‌گردید خوب است بدانید که متون و پیش‌نویس تصمیمات و تصمیم به ارائه پیش‌نویس تصمیمات برای رأی‌گیری از طریق اجماع پیشین مورد موافقت قرار می‌گرفت.

رویه ارائه متون پیش‌نویس تصمیمات نیازمند به اکثریت واجد شرایط رأی‌گیری از طریق ارسال برگ رأی، پس از حصول اجماع در مورد محتویات تصمیم، از ماه‌های آغازین لازم‌الاجرا شدن سازمان جهانی تجارت در دستور کار قرار گرفت. برای مثال هنگامی که در مورد الحاق اکوادور در جولای ۱۹۹۵ شورای عمومی پذیرفت پیش‌نویس تصمیم الحاق را در معرض رأی‌گیری از طریق ارسال برگه رأی قرار دهد [۱۲]. این طریقه عمل منعکس‌کننده رویه قدیمی معمول در موافقت نامه عمومی

بوئزه در حوزه تصمیم‌گیری بود که در سطح سازمان جهانی تجارت نمایان می‌شد.

۳. فرایند تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت

برخلاف موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، موافقت‌نامه‌های حاصله در سازمان جهانی تجارت تعهدات حقوقی را بر تمامی اعضا تحمیل می‌نمایند. این موضوع به مشارکت اعضا اهمیت داده و تقاضا برای درگیر شدن فعال در فرایند تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت به‌طور مؤثری میان تعداد زیادی از اعضا خصوصاً کشورهای درحال توسعه افزایش یافته است. در مجموع میان اعضا سازمان جهانی تجارت این موضوع پذیرفته شده است که وسعت تعهدات حقوقی سازمان جهانی تجارت و ماهیت شبه خودکار سازوکار حل اختلاف تنها در سایه مشارکت سیاسی که از طریق اصل اجماع حاصل می‌شود امکان‌پذیر می‌باشد.

فشارها بر فرایند تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت از زمان برگزاری نخستین اجلاس وزیران در سال ۱۹۹۶ آشکار گشت. به هر حال نشست سنگاپور مملو از فعالیت‌های انرژی‌بر بود و امکان مصالحه‌ای قابل توجه وجود نداشت لذا دستور کار مربوطه تعداد زیادی از موضوعات بحث‌انگیز که نیازمند مشورت و مذاکره بود را دربرمی‌گرفت. برای تعداد زیادی از کشورهای درحال توسعه، نشست سنگاپور اولین تجربه همراه با پویایی فراوان بود که قصد داشت کنفرانس‌های وزیران سازمان جهانی تجارت را سازماندهی نماید و اکثر این کشورها از نظر بنیادی و پشتیبانی دارای آمادگی ناچیزی بودند. [۱۵]

ضعف سازماندهی در هیأت‌های اعضا به نوبه خود همکاری مؤثر و ائتلاف با دیگر کشورهای درحال توسعه را دشوار می‌ساخت. در سنگاپور، هسته فرایند مشورتی برای تهیه اعلامیه وزیران میان ۳۴ کشور شکل گرفت، هرچند وجود این گروه بحث‌انگیز بود، اما مخالفت حاصله نه آنقدر منسجم و نه آنقدر متمرکز بود که بتواند عملیات را به مخاطره اندازد. با این حال در جلسه غیررسمی پایانی در دوازدهم دسامبر ۱۹۹۶ برای رسیدن به اجماع که لازمه پذیرفتن اعلامیه وزیران سنگاپور بود برنامه‌ریزی بعمل آمد، تعداد زیادی از آن کشورها که با گروه‌های مشورتی کوچک تعامل نداشتند نارضایتی خود را نسبت به

تعرفه و تجارت می‌باشد. به هر حال اعضا به زودی دریافتند ارجاع تصمیماتی که قبلاً در مورد محتویات آن‌ها توافق حاصل شده بود به رأی‌گیری، باعث پیچیدگی غیرضروری و اتلاف وقت اعضا شده و لذا شورای عمومی تصمیم به کارا نمودن رویه باتوجه به اخذ چنین تصمیماتی گرفت [۱۳]. رویه‌های پذیرفته‌شده بیان‌کننده این می‌باشد که شورای عمومی به دنبال این است که تصمیم‌گیری در مورد موضوع مربوط به درخواست الحاق یا خروج از طریق اجماع صورت گیرد، به استثناء مواردی که غیراز این مقرر شده باشد رأی‌گیری تنها زمانی انجام می‌شود که اجماع حاصل نشود. تاکنون تمامی تصمیمات سازمان جهانی تجارت از طریق اجماع مورد موافقت قرار گرفته و با وجود میزان وقت و انرژی که مذاکره‌کنندگان دور اروگوئه روی طراحی قواعد رأی‌گیری سازمان جهانی تجارت صرف نمودند، هم اعتراضات نظری به رأی‌گیری و هم واقعیات عینی تضمین نمودند که سنت تصمیم‌گیری به روش اجماع در کانون نظام تجاری چندجانبه باقی بماند.

از آنجا که دستور کار دوراروگوئه شامل موضوعات حساس و جدید گردید و نیز به علت اینکه اصل «تعهد واحد» را بدین معنا که نتیجه مذاکرات برای کلیه شرکت‌کنندگان قابل اجرا می‌باشد را مطرح نمود پیچیده می‌باشد. اصل تعهد واحد و این حقیقت که قواعد جدید هرچند با درجات متفاوت انعطاف‌پذیری در اجرا به تمامی اعضا تعمیم داده می‌شود به معنی شرکت فعال در فرایند تصمیم‌گیری بوده که برای تمامی اعضای شرکت‌کننده موضوع مهمی به شمار می‌رفت. به طول انجامیدن دوراروگوئه و کنفرانس‌های وزیران بی‌نتیجه زیادی که مسیر را برای نتیجه نهایی آن در سال ۱۹۹۴ آماده می‌کرد انعکاس دقیقی از پیچیدگی دستور کار و همچنین این حقیقت بود که تعداد زیادی از طرف‌های ذی‌نفع در مذاکرات شرکت داشتند. با این وجود نتیجه موفقیت‌آمیز دور اروگوئه هنوز نیازمند موافقت دوجانبه بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا در مورد کشاورزی بود. ضمناً ممکن است آخرین باری باشد که توافق بین دو تا از بزرگترین طرف‌های تجاری در یک نظام تجاری چندجانبه براساس پیمان بلرهاوس [۱۴] کفایت یک مذاکره گسترده را تضمین کند. تأخیرهای فراوان و پیچیدگی تصمیم‌گیری که در دور اروگوئه شکل گرفته بود حاکی از تعداد زیادی از چالش‌های سازمانی

چگونگی آماده کردن متن اعلام نموده و بیان داشتند که بیش از این فقدان شفافیت و جامعیت را پذیرا نخواهند بود. به هر حال به دنبال آن در ژنو این موضوعات به تعویق انداخته شده و تا فرایند مقدمات کنفرانس وزیران سیاتل در ۱۹۹۹ به صورت جدی مطرح نشدند.

درباره ماهیت پیچیده و جامع دستور کار سازمان جهانی تجارت قبل از سیاتل و همچنین تعداد زیادی از موضوعات رویه‌ای که پس از یک فرایند مقدماتی ۱۴ ماهه در بن‌بست قرار گرفتند مطلب زیاد نوشته شده است. طبیعت و طول فرایند مقدماتی سیاتل یک احساس توقع در میان هیأت‌ها ایجاد کرده بود که ببینند زبان حال آن‌ها در متن رئیس انعکاس یافته است یا خیر. هیأت‌ها مرتباً پیشنهادهای جدید و عبارتهای خاص که انتظار داشتند در متن پیش‌نویس رئیس مشاهده نمایند ارائه می‌کردند که نتیجه آن به نام متن «درخت کریسمس» مشهور شده است. خلاصه اینکه، مذاکرات (هر چند محدود) به منظور کاهش تفاوت‌های ماهوی انجام پذیرفت و نسخه دوم متن شامل ۳۴ صفحه کامل و ۴۰۲ موضوع بود که درباره آن توافق حاصل نگردیده بود. با وجود تلاش‌های ناموفق بسیار برای تحکیم این پیش‌نویس از طریق گروه‌های مشورتی کوچک به منظور ارائه آن به وزیران به عنوان یک محصول قابل کنترل، جریان مذاکرات در ژنو به طور واضح به شکست انجامید. موضوعی که بیش از سایر موضوعات سبب دامن زدن به بحث‌های رویه‌ای شد نحوه انتقال متن از فرایند ژنو به اجلاس وزراء در سیاتل و نگرانی درخصوص اینکه رئیس شورای عمومی و مدیرکل تا چه میزان می‌توانند پیش‌نویس متن را به اجلاس وزراء انتقال داده و همچنین نیاز به اجماع درخصوص این موضوعات بود.

نگرانی مهم میان بسیاری هیأت‌ها این بود که ولو محرز بود که پیش‌نویس منجر به موافقت‌نامه نمی‌شود با این حال تبدیل به مبنایی برای مذاکرات می‌گردد. در موقعیت‌های قبلی مدیرکل موظف به تهیه پیش‌نویس اعلامیه گردیده بود، اما انتقال متن به وزیران همیشه باعث بوجود آمدن بعضی مناقشات شده است، هرچند هرگز در امتداد با جریان‌های مخالف قبل از سیاتل نمی‌باشد. به علاوه مخالفت با موظف نمودن رئیس شورای عمومی و مدیرکل برای احاله متن به وزیران در حد وسیع منعکس کننده جو بی‌اعتمادی عمومی میان اعضای سازمان

جهانی تجارت در سال ۱۹۹۹ بود که در پی فرایند انتخاب نسبتاً تند مدیرکل جدید حاصل گردید. هرچند تجزیه و تحلیل دستورکار واقعی سیاتل از حوصله این بخش خارج می‌باشد، اما روشن گردید که حتی قبل از کنفرانس وزیران، تفاوت‌های برجسته میان اعضاء بسیار زیاد و عمیق‌تر از این بود که در سیاتل حل و فصل شود.

فرایند مقدماتی سال ۱۹۹۹ و خود نشست سیاتل نقطه تحولی در مورد نحوه کار امروزه سازمان جهانی تجارت بوده و به شیوه‌های گوناگون دستور کار را برای اصلاحات رویه‌های تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت تنظیم می‌کند.

آنچه که فرایند مقدماتی سیاتل را از تجارب قبلی در گات و سازمان جهانی تجارت متمایز می‌کند، شرکت فعال تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه و سطح همکاری‌های بی‌سابقه‌ای بود که میان تعدادی از گروه‌ها بوجود آمد. به وجود آمدن گروه کشورهای هم‌فکر (LMG)، [۱۶] تقویت همکاری تعدادی از گروه‌های کشورهای در حال توسعه مانند، گروه آفریقایی، گروه کشورهای آفریقایی، اقیانوس آرام و حوزه کارائیب (ACP) و گروه کشورهای کمتر توسعه یافته، همچنین افزایش استفاده آن‌ها از گزارشات تحلیلی خارجی تهیه شده توسط بعضی از سازمانهای غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی، همگی عناصر مهمی در تبیین افزایش جسارت و اعتماد به نفس کشورهای در حال توسعه در آستانه اجلاس سیاتل بودند. هرچند تردید جزئی در مورد این قضیه وجود دارد که ناکامی بعضی از کشورها در کنفرانس وزیران سنگاپور می‌تواند بعضی از این همکاری‌های بهبود یافته را تبیین کند، اما حقیقت این است که کنفرانس وزیران سیاتل درصدد آغاز دور جدیدی از مذاکرات تجاری شامل تعدادی از موضوعات بحث‌انگیز برای کشورهای در حال توسعه بوده و یک محرک و انگیزه مضاعفی برای همکاری این کشورها فراهم نمود.

همچنان که کنفرانس پیش می‌رفت روشن شد که بعضی از کشورهای در حال توسعه و گروه‌های مختلف متعلق به آنها تصمیم گرفته‌اند که سرعت حرکت خود و نفوذی که در فرایند مقدماتی ژنو برقرار شده بود را منتقل کنند. این نکته بویژه از این نظر حائز اهمیت است که تجربه نشان داده چگونه عمق و خودکار بودن همکاری ژنو در زمانی که عنان مذاکرات به مقامات رسمی و وزیران مستقر در پایتخت محول می‌شود، می‌تواند از

بین برود. نشست سیاتل درحالی‌که وارد روزهای پایانی خود می‌شد تعداد زیادی از کشورهای درحال توسعه که مشمول گروه‌های کوچک مشورتی نبودند چه از طریق هماهنگ‌کنندگان و یا رئیس کنفرانس در یک حرکت بی‌سابقه فرایند را تهدید کرده و برای رد هرگونه نتیجه‌گیری اساسی توسط گروه‌های مشورتی کوچک بر مبنای اعتراضات رویه‌ای آمادگی خود را نشان دادند. البته این تهدید هیچگاه مورد آزمایش قرار نگرفت. همچنان‌که نتیجه‌گیری اساسی حاصل از فرایند مشورتی هرگز جامه عمل نپوشید و متن پیش‌نویس هیچگاه آشکار نگردید. به هر حال این موضوع یک پیام خیلی مهم در برداشت به این معنا که تعداد زیادی از کشورهای درحال توسعه دیگر نمی‌پذیرفتند که یک تماشاگر محض در سازمان جهانی تجارت باشند و آماده بودند که درجه بالاتری از مسئولیت را بپذیرا شوند. زمانی که نشست در سوم دسامبر سال ۱۹۹۹ بدون نتیجه‌گیری پایان پذیرفت موضوع پیش‌رو برای تعداد زیادی از هیأت‌های سازمان جهانی تجارت این بود که چگونه شفافیت داخلی فرایند تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت و چگونگی شرکت در این فرایند را بهبود ببخشند.

۴. بررسی دقیق فرایند تصمیم‌گیری توسط اعضاء سازمان جهانی تجارت

برخلاف عواقب دور سنگاپور که بحث درباره توسعه نظام‌مند و تشکیلاتی به شکست انجامید، پیگیری نواقص فرایند تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت که قبل و بعد از سیاتل آشکار شده بود بلافاصله شروع و برای اولین بار در تاریخ سازمان جهانی تجارت نشان داده شد که اعضاء توافق به بحث تخصصی در سطح اختیارات شورای عمومی برای یک اصلاح ساختاری نموده‌اند. در این زمینه بسیار با اهمیت بود که طیف گسترده‌ای از اعضاء برداشت خود را که لازمه توسعه فرایند تصمیم‌گیری بود به مشارکت بگذارند.

فرایندهای مشورتی در زمینه شفافیت و فراگیر بودن تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ از نقطه نظر سازمانی مهم تلقی می‌شوند. [۱۷] فرایند سال ۲۰۰۰ در مقابل پشت پرده اجلاس شکست خورده وزیران که حاکی از ناکارآمدی‌های ساختاری روش‌های مشورتی سازمان

جهانی تجارت بود شکل گرفت. اگر هر چیز مثبتی نیز از نشست سیاتل حاصل می‌گردید باز همه اعضاء بر این اعتقاد بودند که نوعی اصلاحات در فرایند تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت ضروری است. در مقابل، فرایند سال ۲۰۰۲ در نتیجه یک بحران یا شکست مذاکرات اتفاق نیفتاد. آغاز موفق دور دوحه در اواخر سال ۲۰۰۱ نگاهی اجمالی به تعدادی از پیشرفت‌ها در مورد فرایند تصمیم‌گیری داشته است، و سال ۲۰۰۲ با تدوین تعدادی از راهبردهایی که عملیات کمیته مذاکرات تجاری (TNC) جدیدالتأسیس و وظایف رؤسای گروه‌های مذاکراتی را هدایت می‌کرد آغاز گردید. [۱۸]

در بحث‌های شفافیت در زمینه تصمیم‌گیری دو استدلال اصلی سریعاً میان اعضاء شکل گرفت. از یک طرف تعدادی از هیأت‌ها احساس می‌کردند که فرایند تصمیم‌گیری غیررسمی فاقد قابلیت پیش‌بینی و جوابگویی است و اینکه یک دسته از قواعد خاص باید فرایندهای مشورتی غیررسمی را هدایت کند، تا رفتار خودسرانه توسط مسئولین سازمان جهانی تجارت که در بعضی اوقات مشاهده می‌شد را از بین ببرد. از طرف دیگر تعدادی از کشورها استدلال می‌کردند که روش‌های ویژه وضع شده در مورد مشورت‌های غیررسمی، فرایندی که نیازمند حداکثر انعطاف به منظور انطباق با وضعیت‌های مختلف می‌باشد را محدود می‌نماید. [۱۹]

به علاوه این کشورها استدلال کردند که وضع یک دسته از قوانین رسمی بازدارنده بر فرایند مشورتی به راحتی باعث می‌شود فرایند از چارچوب سازمان جهانی تجارت با یک سری عواقب منفی که شرط شفافیت ایجاب می‌کند خارج شود. هرچند که بحث‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای جزئی بودند، اما این اختلاف‌نظرها به اصل توازن بین کارایی و شفافیت در تصمیم‌گیری برمی‌گردد. بحث‌های متعدد رسمی و غیررسمی که متعاقباً انجام شد روشن کرد که پذیرفتن یک دسته از قواعد در مورد تصمیم‌گیری از طریق اجماع غیرممکن بوده و اینکه تدوین تعدادی از بهترین روش‌های تلاش، واقعی‌ترین نتیجه مبتنی بر مصالحه را به‌جا می‌گذارد.

هرچند نتیجه حاصله به‌طور آشکارا در آنچه که بعضی هیأت‌ها به آن امید داشتند ناموفق بود، اما بخش اصول و روش‌ها در اظهارات رئیس که توسط اعضاء در اولین نشست کمیته مذاکرات

تجاری در اول فوریه تأیید شده بود بیشتر به سمت تعیین نقش و تعهدات رؤسا در جهت تضمین فراگیر بودن و ارائه منصفانه نکته نظرات متفاوت حرکت می‌کرد. در حالیکه بیشترین سعی به عمل آمده که این اصول با الفاظ مناسب بیان شوند و از یک شکل حقوقی برخوردار نگردند. اما چارچوب و زمان تدوین آن‌ها باعث شد که آن‌ها دارای ارزش ویژه شوند و تضمین گردد که به‌عنوان اصول مشترک در مباحث تصمیم‌گیری باقی بمانند.

۵. رویه‌های جدید در تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت

ذیلاً آن دسته از روش‌هایی که فرایند تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت (در فعالیت روز به روز سازمان جهانی تجارت و مرتبط با هدایت کنفرانس وزیران) را شکل می‌دهند مورد بررسی اجمالی قرار خواهد گرفت.

فرایند تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت مانند گات مرکب از فرایندهای رسمی و غیررسمی می‌باشد. در کل روش رسمی بر مبنای ثبت جلسات می‌باشد که از آن طریق صورت جلسات [۲۰] برای تمامی هیأت‌ها و عموم ظرف چند هفته بعد از نشست قابل دسترسی هستند. نشست رسمی سازمان جهانی تجارت برای تمامی اعضای سازمان آزاد بوده [۲۱] و تهیه صورت جلسات مبین ویژگی شفاف و خودکار فرایند می‌باشد. هر چند نشست رسمی جریانی است که تصمیمات سازمان جهانی تجارت در آن اتخاذ می‌شوند، اما نشست غیررسمی که از آن بعنوان مشورت‌های غیررسمی نیز یاد می‌شود جایی است که تصمیمات مورد مذاکره قرار گرفته و آماده می‌شوند. چنین مشورت‌هایی با هدف ایجاد اجماع میان ۱۵۰ دولت عضو اغلب زمان بر هستند و بحث‌ها را نه تنها در سطوح مختلف دوجانبه، میان بیش از چند طرف و چند جانبه، بلکه در شکل‌های مختلف، روش‌های رسمی و غیررسمی نیز دربر می‌گیرد. سازوکارهای این فرایند منحصر به سازمان جهانی تجارت نیست، اگرچه همه سازمان‌های بین‌المللی بلکه ویژگی بسیاری از آن‌ها می‌باشد. در اینجا یک سوءتفاهم جدی باقی می‌ماند و آن اینکه مشورت‌های غیررسمی سازمان جهانی تجارت در بعضی از موارد غریب، متفاوت از فرایند مشابه در دیگر سازمان‌های بین‌دولتی بین‌المللی یا نهادهای بزرگ غیردولتی می‌باشند.

در گذشته فرایند مشورتی غیررسمی سازمان جهانی تجارت در میان دیگر موضوعات بخاطر طبیعت منحصر بفردش به این معنی که از همه اعضا جهت شرکت در آن دعوت به عمل نمی‌آمد، مورد انتقاد بوده است. منتقدان همچنین روی فقدان گزارش‌های خلاصه از این نشست‌ها تمرکز نموده‌اند. هر چند که در مجموع دیدگاه نهفته در پشت گرد هم‌آیی‌های غیررسمی مشخصاً این است که به شرکت‌کنندگان مجال بحث و مذاکره روی حوزه‌هایی را می‌دهد که در نشست رسمی امکان‌پذیر نمی‌باشد. به هر حال امروزه مشورت‌های غیررسمی در سازمان جهانی تجارت در مقایسه با گات و سال‌های گذشته سازمان جهانی تجارت درجه بالاتری از شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری هستند. برای مثال از سال ۲۰۰۰ به بعد رؤسای ارکان سازمان جهانی تجارت روشی را دنبال کرده‌اند که در آن در جلسات رسمی قصدشان را جهت برگزاری مشورت‌های غیررسمی و نیز اعلام گزارش حاصل از چنین نشست‌هایی به کلیه اعضا اعلام می‌نمایند. [۲۲] اگرچه یک رئیس ممکن است با ابتکار عمل خود درگیر در چنین مشورت‌هایی شود، این امر بسیار معمول است که هر یک از اعضای ارکان سازمان جهانی تجارت می‌تواند تقاضای مشورت غیررسمی در یک موضوع خاص نماید قبل از اینکه آن موضوع به جلسه با حضور تمامی اعضا ارجاع شود. چنین تقاضاهایی در راستای شناخت ضمنی از محدودیت‌های نشست‌های بی‌انتهای و با حضور تمامی ۱۵۰ عضو مطرح می‌شوند. البته رئیس در حد بالایی استقلال و خودمختاری در مورد اینکه با چه کسی در مورد چه چیزی باید مشورت نماید را حفظ می‌کند، اما بین هیأت‌ها این موضوع به‌طور فزاینده‌ای مرسوم شده که اعتقاد دارند به منظور شرکت در فرایند مشورت می‌بایست مستقیماً با رئیس یا معاون دبیرخانه سازمان جهانی تجارت در ارتباط بوده و مورد مشورت قرار گیرند. ارکان دائم سازمان جهانی تجارت و همچنین گروه‌های مذاکراتی تحت‌نظارت کمیته مذاکرات تجاری (TNC) به‌طور کلی این رویکرد را دنبال کرده‌اند. اگرچه هیأت‌ها به‌طور مرتب به منظور حفظ آمادگی نیازهای خود را مدون می‌کنند، با توجه به شفافیت یک شناخت عمومی در این زمینه وجود دارد تا روش جاری چنانکه در بالا توضیح داده شد تعادل درست بین شفافیت و کارایی را برقرار نماید. خودکار بودن اطلاع‌رسانی یک فرایند مشورتی و گزارش

متقابل مباحث برای کل اعضاء سبب فراهم آوردن اصل قابلیت پیش بینی در فرایند تصمیم گیری سازمان جهانی تجارت گردیده که پیش از این وجود نداشته است. به علاوه مشارکت روزافزون تعداد بیشتری از کشورها در فرایندهای تصمیم گیری و شرکت منظم در این نشست‌ها نمایانگر تناسب بین کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته در سازمان جهانی تجارت می باشد. در تدوین روش‌هایی که می‌بایست فرایند تصمیم گیری سازمان جهانی تجارت را پیش ببرد، اعضاء همچنین موانع ویژه‌ای را مطرح می‌کنند که هیأت‌های کوچک تر باتوجه به درحال افزایش بودن نشست‌ها، با آن روبرو شده‌اند. بویژه کمیته مذاکرات تجاری ملزم به تهیه تقویم جلسات با نظارت دقیق می‌باشد تا از ملاقات با بیش از یک عضو درحال مذاکره در زمان اختصاص یافته در حد ممکن جلوگیری شود. افزایش شفافیت و پیش‌بینی پذیری روزبه‌روز فرایند تصمیم گیری در سازمان جهانی تجارت تأثیر مهمی بر سازمان، آمادگی و پیش بردن کنفرانس‌های وزیران داشته است. در جواب به سردرگمی که توسط اکثر هیأت‌ها در نشست سیاتل تجربه شد، کنفرانس‌های دوحه، کنکون و هنگ‌کنگ شکل‌ها و روش‌های زیادی به منظور تسهیل فعالیت هیأت‌ها و افزایش شفافیت و پیش‌بینی پذیری را معرفی کردند. در دوحه برای نخستین بار هر روز دو فرصت یک ساعته به هیأت‌ها برای هماهنگ کردن کارها و مشورت با دیگران تخصیص یافت و از آن به بعد این شیوه ادامه دارد. به علاوه دور دوحه شیوه جلسات بدون انتها را به منظور اینکه اجازه دهد کلیه اعضاء در گزارشات فرایندهای مشورتی مختلف سهیم باشند بنا نهاد. روند نشست‌های مربوط به شفافیت منعکس کننده جریان مشورتی ژنو بوده و به ویژگی ثابت کنفرانس‌های وزیران سازمان جهانی تجارت تبدیل شده است.

در نشست‌های کنکون و هنگ‌کنگ پیشرفت‌هایی نسبت به دور دوحه حاصل شد. شرکت رؤسای کنفرانس در نشست نهایی فرایند مقدماتی، یک تعهد بی سابقه به منظور تضمین پیوستگی با فرایند ژنو ارائه نمود. به همین سان، تصمیم به اعلام لیست تسهیل کنندگان قبل از این نشست‌ها در حد بالایی مورد استقبال اعضاء قرار گرفت. همچنین در نخستین جلسه غیررسمی بدون انتها در هر دو دور کنکون و هنگ‌کنگ هیأت‌ها با یک بازبینی دقیق و عملی درمورد فرایند غیررسمی به آمادگی لازم رسیدند.

این نوآوری جدید به نسبت آنچه که در گذشته انجام می‌شد کارایی بیشتری داشت و پیش‌بینی‌پذیری اقدامات کنفرانس وزیران را افزایش داد. با این حال ادامه کنفرانس‌های وزیران سازمان جهانی تجارت چالش‌های مهمی را نمایان کرد. چنان که بحث سال ۲۰۰۰ ظرفیت این نشست‌ها را برای حرکت به سمت یک دستور کار در مقابل خطر بروز ناکامی‌های سیاسی برجسته که سبب باقی ماندن نگرانی‌های واقعی میان اعضاء سازمان جهانی تجارت بود ظاهر نمود. هرچند نشست هنگ‌کنگ یک گام مهم درخصوص شفافیت تلقی می‌شود اما نتیجه اساسی نشست تنها توانست در راستای دور دوحه حرکت کند.

شکی وجود ندارد که تبعیت از این روش‌های جدید شامل یک عنصر مهم در اعتماد دوطرفه که اغلب به‌عنوان پایه مذاکرات تجاری چندجانبه شناخته می‌شود، می‌باشد. این روش‌ها نمایان می‌کنند که جدا کردن فرایند و ماهیت در سازمان جهانی تجارت چقدر مشکل بوده و مشارکت که همان احساس مالکیت است نسبت به نتایج ماهوی چقدر اهمیت دارد.

۶. اهمیت در حال افزایش گروه‌ها و ائتلاف‌ها در سازمان جهانی تجارت

یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در فرایند تصمیم گیری سازمان جهانی تجارت در طول چند سال گذشته، نقشی است که توسط گروه‌ها و ائتلاف‌های مختلف از کشورها به‌ویژه میان کشورهای درحال توسعه ایفا می‌شود. مطمئناً فعالیت گروه‌ها و ائتلاف‌ها در نظام تجاری چندجانبه به دوران قبل از دور اروگوئه برمی‌گردد، از جمله وجود گروه‌های غیررسمی کشورهای درحال توسعه که با طرح نمودن موضوع خدمات در گات مخالفت می‌کردند. از این گروه اصطلاح گروه ۱۰ پدیدار شد که رویکردی ناسازگار و انعطاف‌ناپذیر نسبت به موضوع خدمات اتخاذ می‌کرد. درنهایت، گروه ۱۰ با ائتلافی که توسط کلمبیا و سوئیس رهبری می‌شد کنار گذاشته شد. ائتلاف جدید دو گروه موسوم به گروه ۹ و گروه ۲۰ را گرد هم آورده و تلاش‌هایشان پایه‌ای برای بیانیه پونتادل استه [۲۳] شد که دور اروگوئه را راه‌اندازی نمود. (توسی و لن‌یل ۲۰۰۲ نارلیکار ۲۰۰۳). [۲۴] همچنین موفقیت این گروه که معروف به ائتلاف قهوه با شیر [۲۵] گردیده بر روی منافع مشترک در یک موضوع واحد پایه‌ریزی شده که به اعضاء اجازه

می‌دهد تا دستور کار خود را در دیگر موضوعات پی‌گیری کنند. به همین ترتیب این گروه شامل طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته بود که برای تحقیقات و اطلاعاتی که قسمتی از ویژگی‌های عملیاتی آن‌ها را به اشتراک می‌گذاشت اهمیت قائل می‌شدند. تجربه و موفقیت ائتلاف قهوه با شیر در بعضی جهات در خلق گروه کرنز [۲۶] (کشورهای صادرکننده محصولات کشاورزی) در سال ۱۹۸۶ پیشرو بود. گروه کرنز که یک ائتلاف تحقیق محور کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بود خود را بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا قرار داده و موفق شد دستور کار دوراروگوئه را در اکثر موضوعات بر مبنای کشاورزی تنظیم کند. در طول دور اروگوئه تعدادی از دیگر گروه‌ها از جمله گروه De la Paix (طیف وسیعی از موضوعات)، گروه Morges (کشاورزی) گروه Pacific (حفاظت‌ها)، گروه Victims (ضد قیمت‌شکنی) و گروه Rolle (خدمات)، کشورها را در موضوعات خاص گرد هم جمع می‌نمود. هرچند بعضی از این گروه‌ها اهمیت موضوع بر مبنای ائتلاف‌ها را نشان می‌دادند، اغلب دیگر ابتکارات موضوعی در طول دور اروگوئه کمتر موفقیت‌آمیز بودند و می‌توان استدلال نمود که تنها گروه کرنز توانست در انتقال به سازمان جهانی تجارت خود را زنده نگه دارد. کنفرانس وزیران سازمان جهانی تجارت در ظهور و تحول گروه‌های کشورهای خاص و همچنین همکاری وسیع‌تر میان چنین گروه‌هایی نقش ویژه و مهمی ایفا کرده است. از نظر تاریخی یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی گروه‌های کشورها و هماهنگ‌کننده آن‌ها در جریان ژنو این بوده که چگونه سطح همکاری‌های حاصل شده در جریان ژنو که به کنفرانس وزیران انتقال یافت را تضمین نمایند. این چالش از آنجا مشکل‌تر شد که هماهنگ‌کننده یک گروه خاص در سطح وزیران در مقایسه با سطح سفرای مستقر در ژنو فرق می‌نمود. در ادامه نگاه مختصری به تحول گروه‌ها در زمینه کنفرانس‌های مختلف وزیران سازمان جهانی تجارت و فرایندهای مقدماتی مربوطه خواهیم داشت، سپس سعی خواهیم کرد یک بررسی اجمالی در مورد بسیاری از گروه‌هایی که در طول مذاکرات در حال انجام دور دوحه ظاهر گشته‌اند ارائه نماییم.

نمونه‌هایی از هماهنگی به عمل آمده میان گروه‌های موضوع محور کارآمد در سازمان جهانی تجارت قبل از جریان آماده‌سازی

سال ۱۹۹۹ برای کنفرانس وزیران سیاتل نسبتاً نادر بودند. هرچند گروه‌هایی مانند گروه آفریقا، ACP، کشورهای کمتر توسعه‌یافته، اقتصادهای کوچک و آسیب‌پذیر (SVEs)، و گروه کشورهای همفکر (LMG) [۲۷] طرح کلی بعضی از همکاری‌های گروهی میان کشورهای در حال توسعه را تبیین کردند، حتی اگر از ابتدا مخالفت با تعدادی از موضوعات تجاری ویژه سازماندهی شده‌اند، اما اشتباه است که برچسب «موضوع خاص» به هر کدام از این گروه‌ها داده شود. در مقابل آن‌ها تلاش‌های خود را به‌طور مستمر و بر مبنای چالش‌های پیش‌رو سازماندهی کردند. هرچند در طول فرایند مقدماتی سیاتل و خود کنفرانس تعدادی از این گروه‌ها در خصوص موضوعاتی از قبیل رفتار ویژه و متفاوت (S & D)، کاهش ترجیحی، موضوعات اجرایی و اصلاح سیستمی (نظام‌مند) شروع به همکاری موقت نمودند. [۲۸]

بحث در مورد اصلاح نظام‌مند همراه با ایفای نقش مهم گروه کشورهای هم‌فکر بخش مهمی از دستور کار سازمان جهانی تجارت در ادامه سیاتل، را به خود اختصاص داد. ابتکار در دوحه با اختصاص هر روز دو جلسه آزاد برای هماهنگی هیأت‌ها که به‌طور ویژه توسط مدیر کل معرفی شد، مذاکرات غیررسمی توسط هماهنگ‌کننده‌های اکثر گروه‌ها را به دنبال داشت. این نشست‌های هماهنگی تسهیلاتی برای نمایندگی‌های جوامع مدنی برای تهیه اطلاعات درون‌داد هیأت‌های کشورها و گروه‌ها را ایجاد نمود. چنین گفتگوهایی در سیاتل نیز انجام شده است، اما کنفرانس دوحه قدم مهمی در تسهیل نمودن چنین مشورت‌هایی برداشت. در دوحه همانند فرایند مقدماتی، مدیر کل روزانه با هماهنگ‌کننده‌های گروه کشورهای آفریقایی و حوزه دریای کارائیب، گروه آفریقایی، و کشورهای کمتر توسعه‌یافته ملاقات می‌نمود و ورود این گروه‌ها به اتاق‌های سبز وزیران به‌صورت خودکار انجام می‌شد. با توجه به کارایی گروه‌های مختلف در قراردادن موضوعاتشان در دستور کار، بیانیه دوحه حاوی چندین بند است که چنین نفوذهایی در آن قابل مشاهده می‌باشند. [۲۹] همچنین نشست دوحه چالش اساسی پیش‌روی گروه‌های مستقر در ژنو برای تضمین سطح همکاری حاصله در فرایند مقدماتی که در سطح وزیران ادامه دارد را آشکار نمود. درجایی که نشست دوحه نمایانگر اهمیت روزافزون گروه‌های کشوری در سازمان جهانی تجارت بود، نشست کانکون این

گروه‌ها را با توجه به حقوق قانونی‌شان بعنوان قدرت‌های واسطه معرفی کرده است. هرچند کنفرانس کانکون کمی بیش از یک بازنگری میان‌مدت دستورکار مذاکرات دوحه به نظر می‌رسید، اما کمبود پیشرفت از دور دوحه محیطی بوجود آورده که در آن اکثر هیأت‌ها بعضی از ملاحظات خاص خود را از دست‌رفته و کنار گذاشته شده دیدند. در نتیجه علاوه بر سطح درحال افزایش همکاری بین گروه‌های موجود، ماه‌های آخر قبل از نشست کانکون شاهد ظهور چندین ائتلاف جدید از جمله گروه مرکزی کشورهای درحال توسعه (موضوع‌های سنگاپور)، پنبه-چهار، گروه ۳۳ (کشاورزی) و گروه ۲۰ (کشاورزی) بود. [۳۰] ظهور این گروه‌ها قبل از نشست کانکون از نقطه‌نظر ماهوی و همچنین فرایندی مهم بود. اولاً کمک‌های ماهوی این گروه‌ها خصوصاً پیشنهاد گروه ۲۰ در مورد کشاورزی، یک جایگزین اساسی در مورد آنچه که توسط اتحادیه اروپا و ایالات متحده روی میز مذاکره قرار داده بودند ارائه نمود. این از آن جهت مهم است که گروه ۲۰ به جای رد پیشنهاد آمریکایی، پیشنهاد تفصیلی خود را در مورد کشاورزی به ترتیبی ارائه نمود که موجب اعتباری که حاکی از توان بررسی و درگیر شدن ماهوی است می‌باشد. دوماً ترکیب این گروه‌ها و هماهنگی گسترده‌ای که آماده‌سازیشان را برای کنفرانس وزیران شکل می‌داد در تاریخ نظام تجاری چندجانبه بی‌سابقه بود. همچنین کانکون، شاهد ظهور گروه ۲۰، یک گروه از کشورهای درحال توسعه شامل گروه آفریقا، کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای آفریقایی حوزه دریای کارائیب و اقیانوس آرام بود. [۳۱] اجلاس وزیران هنگ‌کنگ همانند فرایند مقدماتی برای این اجلاس، سطح بالایی از هماهنگی میان این گروه‌ها از جمله استفاده از چندین گردهمایی وزیران برای آماده‌سازی نشست را برقرار نمود.

هماهنگی در داخل و بین سه تا از بزرگترین گروه‌های کشورهای درحال توسعه، یعنی گروه آفریقایی (۴۵ عضو)، کشورهای آفریقایی و حوزه دریای کارائیب و اقیانوس آرام (۶۶ عضو) و کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی (۳۴ عضو) تضمین نمود که آن‌ها نسبت به هر زمان دیگر نقش محوری بیشتری در نظام تجاری چندجانبه ایفا نمایند. البته امروزه اهمیت و محوریت این سه گروه در سازمان جهانی تجارت می‌تواند توسط سابقه فعالیت روزافزون آن‌ها در سازمان جهانی تجارت

توجیه شود.

با این وجود عوامل دیگر نیز دارای اهمیت می‌باشند. اولاً تعداد زیاد اعضاء در هر یک از این گروه‌ها باعث شده که نادیده گرفتن آن‌ها در فرایند تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت غیرممکن شود. لذا به این دلیل است که گروه‌ها در تأکید بر تعدادشان اصرار داشته و از عضویت ترکیبی برای تقویت مشروعیت اهدافشان استفاده می‌نمایند، چنانکه برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک در هنگ‌کنگ تحت نام گروه ۱۱۰ از ابتکارات وزیران نماینده گروه‌های G۲۰، G۳۳، کشورهای آفریقایی حوزه دریای کارائیب و اقیانوس آرام، کشورهای کمتر توسعه‌یافته، گروه آفریقایی و اقتصادهای کوچک بود. [۳۲] ثانیاً شناخت در این گروه‌ها به منظور شرکت جدی در سازمان جهانی تجارت نیازمند برقراری یک اعتبار برای تحقیقات فنی و تفصیلی محکم می‌باشد. در خصوص مهارت بیرونی سازمان‌های جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌دولتی بین‌المللی، این گروه‌ها برای تعیین مواضع مذاکراتی خود دارای ظرفیت لازم برای تدوین یک دستور کار اساسی می‌باشند. سوماً نقش هماهنگ‌کننده گروه از دور دوحه به بعد به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای تغییر کرده است. هماهنگ کردن یک گروه بزرگ از کشورها که بعضی از آن‌ها دارای منافع متفاوتی هستند وظیفه آسانی نیست. به هر حال هر گروه با افزایش انضباط داخلی و هماهنگی در مشارکت اطلاعات و یک دستور کار مناسب برای هماهنگ‌کننده که عضویتش را ارائه کند، نقش و اهمیتش را در سازمان جهانی تجارت افزایش داده است. چهارم اینکه گروه‌ها چه فردی و چه جمعی ترتیبی اتخاذ کرده‌اند که درجه بالاتری از پیوستگی و هماهنگی بین فرایند ژنو و پایتخت‌ها، از جمله در سطح وزیران را تضمین نمایند. [۳۳] سازمان جهانی تجارت در زمینه مذاکرات دور دوحه شاهد افزایش چشمگیر گروه‌ها و ائتلاف‌ها بوده است. [۳۴] هرچند اینجا جایگاهی برای تشریح جزئیات مربوط به گروه‌ها و ائتلاف‌های مختلف نیست اما روشن است که تفاوت‌های مهمی بین ساختار بیشتر گروه‌ها از جمله گروه کرنز یا گروه آفریقایی در مقایسه با ائتلاف‌های کمتر سازمان‌یافته مانند طرفداران ماهی یا طرفداران مذاکرات ضدقیمت‌شکنی وجود دارد. گروه‌های پیشین عموماً از هماهنگی رسمی تری برخوردار و از سطح بالاتری از مقامات مذاکراتی از جمله سطح وزیران بهره

می‌جسته‌اند، درحالی‌که فعالیت‌های گروه‌های اخیر اغلب در سطح مقامات رسمی مستقر در ژنو و دیدار با مقامات رسمی ارشد آن می‌باشد. گروه‌های رسمی‌تر معمولاً قادرند حمایت‌های تخصصی و تحلیل‌گرایانه را جذب و حتی در بعضی موضوعات نسبت به تأسیس دبیرخانه برای هماهنگی در مواضع و تهیه پیش‌نویس پیشنهادات اقدام کرده و حتی اغلب در گذشته قبل از کنفرانس وزراء سازمان جهانی تجارت اقدام به برگزاری نشست‌هایی بین وزیرانشان می‌نموده‌اند. گروه‌ها و ائتلاف‌های کمتر سازمان‌یافته اغلب فعالیت‌هایشان را در ژنو روی جریان‌های مشورتی ویژه‌ای سازمان‌دهی می‌کنند که در آن مبادرت به معرفی یک جبهه متحد بنمایند. ولف [۳۵] و نارلیکا و توسی [۳۶] پویایی این گروه‌ها را با جزئیات دقیق‌تری تشریح نموده‌اند. به هر حال آنچه برای تعدادی از ائتلاف‌های غیررسمی در زمینه دور دوحه خاص تلقی می‌شود سازمان‌دهی آن‌ها در موضوعات ویژه‌ای است که با وجود اختلاف منافع در بعضی زمینه‌های دیگر می‌توانند در آن به توافق برسند. بعضی از ائتلاف‌ها حتی شامل کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه دستور کارشان بگونه‌ای دیگر از اساس با هم متفاوت می‌باشد. ظهور گروه ۲۰ در آستانه کانکون تاحدی نقطه آغازی در تاریخ گروه‌های غیررسمی در سازمان جهانی تجارت بوده است، تا جائیکه این نهاد با وجود کاستی‌های داخلی زیاد توانسته است نقش محوری در دور دوحه ایفا نماید. [۳۷] از زمان برگزاری دور دوحه که تعداد گروه‌ها و ائتلاف‌ها رو به کثرت است نتیجه‌گیری سخت به نظر می‌رسد. اغلب موضوعات مربوط به دستور کار سازمان جهانی تجارت، شکاف بین شمال- جنوب که در آنکند وجود داشت و مانع از انعطاف‌پذیری می‌شد که امروزه ویژگی ائتلاف بوجود آمده در سازمان جهانی تجارت است، را مدنظر قرار نمی‌دهد. مذاکرات دور دوحه یک بعد جدید و انعطاف‌پذیری مشخصی برای ایجاد یا حذف ائتلاف‌ها و گروه‌ها در سازمان جهانی تجارت را اضافه نموده است. [۳۸]

جمع‌بندی و ملاحظات

در طول دهه گذشته موضوعات مربوط به شفافیت داخلی و فرایند تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت به‌عنوان چالش‌های نهادی مهم پیش روی نظام تجاری چندجانبه ظاهر شده‌اند.

برخلاف آنچه بسیاری از منتقدین فرایند تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت استدلال می‌کنند این بخش به دنبال این بوده که نشان دهد اعضای سازمان جهانی تجارت در برخورد با این موضوع توانسته‌اند موفق عمل نمایند. روش‌های جاری و راهبردهایی که مشورت‌ها در سازمان جهانی تجارت بر مبنای آن‌ها شکل می‌گیرند نتیجه مستقیم مواردی است که تعداد زیادی از اعضا معتقد به اشتباه بودن آن‌ها در فرایند تصمیم‌گیری می‌باشند. هرچند این روش‌ها از نظر حقوقی دارای اعتبار کمی هستند اما آثار رفتاری آن‌ها به‌گونه‌ای که سازمان جهانی تجارت عمل می‌نماید قابل ملاحظه است. شواهد کافی در فعالیت‌های روزانه رؤسا و مدیرکل در سازمان جهانی تجارت وجود دارد که نشان‌دهنده تبعیت از یک فرهنگ افزایش شفافیت و مشارکت بوده و یک درک عمومی میان اعضای سازمان جهانی تجارت مبنی بر اینکه روش‌های جاری، فرایند تصمیم‌گیری را بهبود بخشیده‌اند وجود دارد. مشروعیت فرایند تصمیم‌گیری مستلزم وجود فعالیت‌های کامل و بدون انتها برای تعدیل دیگر فرایندهای مشورتی محدودکننده‌تر می‌باشد. در این زمینه معمولاً چالش اساسی ایجاد موازنه بین فراگیری و کارایی می‌باشد. از آنجا که آن‌ها بعد از ایجاد موازنه به منظور نائل شدن به پیشرفت، پیشنهاد برگزاری نشست‌های عمومی مهم را می‌نمایند لذا مشورت‌های انحصاری و غیررسمی برای ایفای نقش اساسی در روند کلی سازمان جهانی تجارت ادامه پیدا می‌کند و اعضا عموماً این روش را تأیید می‌نمایند. البته مشروعیت چنین مشورت‌هایی بستگی به توانایی تضمین درجه مناسبی از شفافیت و فراگیری دارد همچنین اینکه تضمین نماید چنین سازوکارهایی برای ایجاد ائتلاف‌ها دنبال شوند نه برای نشست‌های تصمیم‌گیری. از اینرو بدیهی است که هرگونه تلاش برای سرپیچی یا انحراف از راهکارها و اقدامات مربوط به شفافیت تا پذیرش عمومی میان اعضا سازمان جهانی تجارت ادامه پیدا کند. ممکن است استدلال شود بعضی وقت‌ها اعضا در عوض پیشرفت ملموس خواهان پذیرفتن انحرافات موقتی باشند. [۳۹]

به هر حال تجربه نشان داده که این فرضیه پرخطری است که مذاکرات تجاری چندجانبه بر پایه آن پیگیری می‌شود. این زیربخش عمداً به مبحث نقش نشست‌های دوجانبه و میان چندطرف بین اعضا سازمان جهانی تجارت که خارج از

چارچوب نهادی سازمان جهانی تجارت انجام می‌شود وارد نشده است. مادامیکه سازمان جهانی تجارت بعنوان یک نهاد نمی‌تواند مسئولیت چنین نشست‌هایی را به‌عهده بگیرد حقیقت این است که بعضی از این گردهمایی‌ها (خصوصاً آن‌هایی که در سطح وزیران برگزار می‌شوند) می‌توانند تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر جریان چندجانبه در ژنو داشته باشند. هر ساله تعدادی از نشست‌های به اصطلاح «کوچک وزیران» توسط اعضای مشخص سازمان جهانی تجارت میزبانی می‌شوند. از جمله آنچه که در ماه ژانویه به طور مرتب در داووس و همچنین آنچه که در حاشیه‌های اجلاس سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در ماه می اتفاق می‌افتد. این نشست‌ها عموماً توسط کشورهای خاص برگزار و میزبانی می‌شود و به‌طور متوسط شامل ۳۰ تا ۳۵ عضو سازمان جهانی تجارت همچنین دبیرکل سازمان جهانی تجارت می‌شوند. چنین نشست‌های به اصطلاح «کوچک وزیران» می‌تواند مسیر و شتاب فرایند چندجانبه‌گرایی را تعیین و همین‌طور می‌توانند یک جایگاه بالقوه محکم را در فرایند کلی تصمیم‌گیری نظام تجاری چندجانبه اشغال نمایند. در همین حال لازم به یادآوری است که این نشست‌ها خارج از چارچوب سازمان جهانی تجارت هستند و بنابراین مشمول مقررات شفافیت و فراگیری که قبلاً بحث شد نمی‌باشند.

ما در اینجا نقش دیگر سازمان‌های دولتی بین‌المللی را در فرایند تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت مورد بحث قرار نداده‌ایم. زمانی که در سال ۱۹۹۴ وزیران بیانیه مراکش را پذیرفتند در نتیجه سازمان جهانی تجارت بنا نهاده شد آن‌ها همچنین درحالی که به منسجم‌ترین ارگان سیاست‌گذار اقتصادی جهانی دست یافتند یکی از اساسی‌ترین وظایف این سازمان جدید را نیز ترسیم نمودند. [۴۰] شورای عمومی در سال ۱۹۹۶ موافقت‌نامه‌های همکاری با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با هدف تعقیب انسجام بیشتر در سیاست‌گذاری اقتصاد جهانی را رسمیت بخشید. این موافقت‌نامه‌های همکاری بیش از یک دهه است که مورد عمل قرار گرفته‌اند و ثابت کرده‌اند که پایه مؤثر برای توسعه فعالیت‌ها، برنامه‌ها و نوآوری‌های سه نهاد مذکور، در سطح کارکنان و همچنین مدیران به منظور پوشش اغلب موضوعات دستور کار سازمان جهانی تجارت می‌باشند. هم‌زمان مشخص شد که نظام سازمان جهانی تجارت تنها

یک بخش از مجموعه وسیع حقوق و تعهدات بین‌المللی است که اعضاء سازمان جهانی تجارت به آن ملزم هستند و اینکه موضوعات مربوط به سیاست‌گذاری اقتصاد جهانی بسیار فراتر از همکاری ویژه و رسمی سازمان جهانی تجارت با نهادهای برتن وودز می‌باشد. سازمان جهانی تجارت روابط نهادی گسترده خود را با چندین سازمان بین‌المللی دیگر از جمله سازمان ملل، سازمان خواربار و کشاورزی، برنامه محیط زیست سازمان ملل و کمیسیون تجارت و توسعه سازمان ملل حفظ نموده و حدود ۱۴۰ سازمان بین‌المللی وجود دارد که در ارکان سازمان جهانی تجارت دارای عضویت ناظر می‌باشند. سازمان جهانی تجارت همچنین در فعالیت چندین سازمان بین‌المللی به‌عنوان ناظر شرکت می‌نماید. در کل دبیرخانه سازمان جهانی تجارت روابط کاریش را با حدود ۲۰۰ سازمان بین‌المللی در زمینه فعالیت‌های مربوط به آمارها، تحقیقات، استانداردسازی، کمک‌های فنی و آموزشی حفظ می‌کند. هرچند دامنه چنین همکاری‌هایی متفاوت است اما هماهنگی و پیوستگی بین کار سازمان جهانی تجارت و دیگر سازمان‌های بین‌المللی به منظور تحول در کمک‌رسانی به اعضاء برای اجرای سیاست‌های اقتصادیشان ادامه پیدا می‌کند. اگرچه تأثیر مستقیم دیگر سازمان‌های بین‌دولتی بین‌المللی (IGOs) بر فرایند تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت ناچیز است، اما درگیر بودن ذاتی تنگاتنگ آن‌ها با سازمان جهانی تجارت و اعضایش یک عنصر مهم شفافیت برای مبحث کلی یکپارچه‌سازی اقتصاد بین‌الملل بوجود می‌آورد. برابر آنچه گفته شد منظور این نیست که تمامی مشکلات مربوط به شفافیت و فراگیری حل شده است. درحقیقت طبیعت غیررسمی و غیرحقوقی اصول و روش‌هایی که فرایند مشورت در سازمان جهانی تجارت را پی‌بندی نموده است هیچ تضمینی در مقابل برگشت دوباره «سیاست مخاطره» که ویژگی‌های تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت در ادوار مختلف را شکل داده است را نمی‌دهد.

مسابقه مذاکراتی در سازمان جهانی تجارت مسلماً آنقدر ادامه پیدا می‌کند تا قدرت چانه‌زنی میان دولت‌ها را نمایان کند. سرپیچی از فرایند تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت هنوز واقعی بوده و به همین خاطر است که بسیاری از کشورها بر نیاز به حفظ آمادگی و هشپاری در فرایند تصمیم‌گیری سازمان

جهانی تجارت تأکید می‌ورزند. همزمان می‌بایست تصریح شود که سازمان جهانی تجارت تنها می‌تواند به تنظیم یا تأثیر اقداماتش بر فعالیت‌هایی که در چارچوب قانونی خود انجام می‌شوند امیدوار باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. گزارش ۲۰۰۷ تجارت جهانی، منتشره توسط سازمان جهانی تجارت (ترجمه صفحات ۳۲۱ الی ۳۳۲)
2. Keohane, 1983.
3. Steinberg, 2002.
۴. عموماً توجه شده که ماده ۲۵ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت اجازه اقدام مشترک توسط کشورهای متعهد گات را داده و مبنای آغاز مذاکرات بسیاری گردیده است. این ماده تصمیمات متخذ که توسط دو سوم اکثریت آراء را مجاز شمرده است به شرط آنکه این تعداد شامل بیش از نیمی از کشورهای متعهد موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت باشند. این ماده ابزاری برای فشار آمریکا به منظور آغاز مذاکرات دور اروگوئه بوده است. (کروم ۱۹۹۵) را ملاحظه نمایید.
5. black hurst and hartrige, 2004.
- ۶ عبارت اتاق سبز موضوع گمان‌های قابل‌توجهی در طول سال‌ها بوده است. بنابر یک نظر این عبارت براساس رنگ دیوارهای اتاق دبیرکل در آن زمان بوده است. درحالی‌که گمان دیگر به مفهوم سنتی‌تری از اتاق سبز برمی‌گردد که به فضایی که بازیگران قبل از حضور در صحنه در آنجا جمع شده و آماده می‌گشتند اطلاق می‌شود.
7. keohane and Ney, 2000.
۸. برای یک بررسی جامع درخصوص قواعد تصمیم‌گیری در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و سازمان جهانی تجارت Ehling و Ehterman ۲۰۰۵ را ملاحظه نمایید.
۹. نتایج مذاکرات تجاری چندجانبه دور اروگوئه، متون حقوقی، صفحه (۱۱).
۱۰. پاورقی مقرر می‌دارد «اگر در جلسه‌ای که تصمیم گرفته می‌شود، هیچ عضوی رسماً نسبت به تصمیم پیشنهادی اعتراض نکند، چنین تلقی خواهد شد که رکن ذیربط راجع به نسخه ارجاع‌شده جهت رسیدگی، اجماعاً تصمیم گرفته

است.»

۱۱. هنگامی که غیر از این تصویب نگردیده و درجائی که اجماع نمی‌تواند حاصل شود رأی اکثریت ساده کافی می‌باشد. مضافاً اینکه سه نوع روش رأی‌گیری وجود دارد: (۱) اصلاحات مربوط به اصول کلی از قبیل اصلاح اصل دولت کامله‌الوداد و اصل رفتار ملی نیاز به اتفاق آراء دارد. (۲) اصلاحات مواردی غیر از اصول کلی نیاز به اکثریت دو سوم اعضا دارد و (۳) تفسیر مقررات موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت شامل تصمیمات مربوط به خروج نیازمند سه چهارم اکثریت آراء می‌باشد.

12. WT/GC/M/6.

۱۳. در ۱۵ نوامبر ۱۹۹۵ شورای عمومی با اعلامیه رئیس درخصوص رویه‌های مربوط به تصمیم‌گیری برطبق ماده ۹ و ۱۰ موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت موافقت نمود (WT/L/93/).

14. Blair House Accord

15. Pedersen, 2006.

16. Like- Minded-Group

۱۷. برای یک بررسی کامل مباحث مربوط به شفافیت داخلی پدرس (۲۰۰۶) را ملاحظه کنید.

18. TN/G/1.

۱۹. پدرس، ۲۰۰۶.

۲۰. صورت جلسات کلیه نشست‌ها منتشر گردیده و توسط دبیرخانه به سه زبان رسمی سازمان جهانی تجارت ترجمه می‌شود. اگرچه صورت جلسات از روی نوارهای ضبط صوت یا اظهارات کتبی هیأت‌های نمایندگی تهیه می‌شود اما بسیار دقیق نیستند.

۲۱. استثنائات مربوط به موافقت‌نامه‌های میان بیش از چند طرف مانند کمیته تدارکات دولتی می‌باشد.

۲۲. برای یک بررسی کامل از نقش ایفا شده توسط رؤسای سازمان جهانی تجارت (Odell 2005) را ملاحظه کنید.

23. Punta Del Este

24. Tussie and Lengyel. 2002, Narlikar 2003

25. Café au Lait

۲۶. شهر کرنز استرالیا در سال ۱۹۸۶ شاهد تشکیل گروه کشورهای صادرکننده کشاورزی برای دفاع از منافع مشترک بود.

۲۷. گروه غیررسمی کشورهای همفکر در سال ۱۹۹۹ برای فراهم آوردن یک رویکرد مشترک درخصوص موضوعات مربوط به اجرا تأسیس گردید.

۲۸. قابل ذکر است که سازمانهای بین‌المللی از قبیل آنکتاد خصوصاً قبل از سیاتل و به مقدار کمتر در اجلاس‌های بعدی وزراء حمایت رسمی قابل ملاحظه‌ای از بسیاری از این گروه‌ها می‌نمودند.

۲۹. لغو تعهد کوتونو (Cotonou) به‌عنوان یک موفقیت برای ACP و بسیاری از کشورهای آفریقایی تلقی می‌گردید، بندهای ۴۲ و ۴۳ منحصراً مربوط به کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌باشند. بند ۳۵ مربوط به شناسایی نگرانی‌های اقتصادهای کوچک و آسیب‌پذیر می‌باشد. اشارات رفتار ویژه و متمایز به‌طور گسترده در متن می‌باشد و بند ۱۲ بعنوان یک تصمیم جداگانه مربوط به موضوعات اجرایی است.

۳۰. برای بررسی دستور کار هر یک از این گروه‌ها (Narlikar, Tussie 2004) را ملاحظه نمائید.

۳۱. Odell, Sell (2006) و Odell (2006) و Narlikar را ملاحظه نمائید.

32. Bridges Daily VPJATE, 17 December 2005.

۳۳. در این خصوص لازم به ذکر است که در سال ۲۰۰۶ گروه کشورهای آفریقایی، حوزه دریای کارائیب و اقیانوس آرام ۴۶ جلسه، گروه کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی ۱۰۸ جلسه و گروه کشورهای آفریقایی ۷۱ جلسه در ژنو برگزار نمودند. این تعداد جلسات شامل جلسات دوجانبه گروه‌ها نمی‌شود. این سه گروه در چهار موقعیت مختلف در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان گروه ۹۰ نشست‌هایی برگزار نمودند.

۳۴. اضافه بر گردهمایی که قبلاً نام برده شد دیگر گروه‌ها شامل (غیرفراگیر): گروه ۴، گروه ۶، کشورهای تازه عضو شده، اقتصادهای کوچک و آسیب‌پذیر، (موضوعات کاهش عمومی یا سراسری) پنبه-۴، گروه ۱۰، گروه محصولات مناطق گرمسیری (کشاورزی)، گروه ABi، دوستداران جاه‌طلب و بلندپرواز، دسترسی به محصولات غیرکشاورزی-۱۱، طرفداران اصل دولت کامله‌الوداد، کشورهای بند ۶ (دسترسی

به محصولات غیرکشاورزی)، گروه مکزیکی، گروه ۷ (تفاهم‌نامه حل اختلاف)، طرفداران مذاکرات ضدقیمت‌شکنی، گروه متوسط، طرفداران ماهی (قواعد)، طرفداران محصولات زیست محیطی، گروه کشورهای در حال توسعه (محیط زیست)، گروه کلرادو، گروه مرکزی (تسهیل تجاری)، طرفداران علائم جغرافیایی، گروه پیشنهاد مشترک (ثبت علائم تجاری موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری).

35. wolfe, 2007.

36. Narlika and Tussie

۳۷. Tussie (2004) را ملاحظه نمائید.

۳۸. احتمالاً خیلی زود است که درخصوص اهمیت گروه‌ها در تسهیل اجماع قضاوت نمائیم. در سازمانی با بیش از ۱۵۰ عضو احتمال حضور این گروه‌ها برای حصول اجماع بوضوح وجود دارد. به هر حال شواهدی حاکی از توانایی این گروه‌ها برای پاسخی صریح به پیشرفت‌های جدید هنوز مسلم نمی‌باشد.

۳۹. نمونه‌های جدید در این مورد این است که اعضاء سازمان جهانی تجارت پذیرفتند که در سال ۲۰۰۶ برای فرایندهای مشورتی گروه ۶ و در سال ۲۰۰۷ برای فرایندهای مشورتی گروه ۴ صبر نمایند. به‌عنوان مثال مذاکرات نهایی و نسبتاً طولانی که از تصمیم اول اوت سال ۲۰۰۴ منتج شده بود بدون هیچ‌گونه انتقادی از سوی هیأت‌هایی که در اتاق سبز حاضر نبودند مورد قبول قرار گرفت. مثال دیگر گرچه متفاوت مربوط به این بود که اعضاء پذیرفتند (بدون نتیجه قطعی) برای فرایندهای مشورتی گروه ۶ در سال ۲۰۰۶ صبر نمایند.

۴۰. بند ۵ ماده (۳) موافقت‌نامه مراکش و همچنین بیانیه مستقل وزراء که در نشست وزراء در آوریل ۱۹۹۶ به‌منظور تأیید این هدف مورد پذیرش قرار گرفت را ملاحظه کنید.